

امید کرمانی ها

عصر جام جم

در فاصله باقیمانده تا برگزاری

انتخابات مجلس شورای اسلامی

دوباره عرصه سیاست داغ شده و رسانه ها و سیاست‌پو موضوع این رقابت مهم را به محل بحث خود تبدیل کرده‌اند. در این میان مساله «مشارکت» در انتخابات مهم‌ترین موضوعی است که مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا روزنامه جام جم در کاری مشترک با رادیو گفت و گو برنامه «عصر جام جم» را تولید کرده که منظره چهره ها از جریانات و گرایش های سیاسی مختلف است و می‌کوشد تا با روشن و شفاف‌تر کردن فضای انتخاباتی به موضوع مشارکت و حضور مردم در انتخابات کمک کند. سیدمصطفی میرسلیم، رئیس شورای مرکزی حزب موفله و نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی و محمد عطریانفر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی هم‌ان این برنامه بودند. مجری این منظره مصطفی صادقی، عضو شورای سردبیری روزنامه جام جم بود.



۴ مجری: زمان زیادی تا برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی باقی‌نمانده، آیا لازم شکل‌گیری مشارکت بالا رافراهم می‌بینید؟

میرسلیم: باید به عوامل اثرگذار درباره شکل‌گیری مشارکت بالا توجه کنیم. چند ماه پیش ح‌دم این بود که مشارکت بسیار خوبی خواهیم داشت اما شرایط را باید به‌طور دقیق بررسی کرد. سنت انتخابات جدید نیست که تازه آن را اختراع کرده باشیم و نیاز باشد مردم با آن آشنا شوند. تاکنون ۴۵ انتخابات در جمهوری اسلامی ایران برگزار شده و مردم تصمیم گرفتند چگونه شرکت کنند و به چه کسی رأی دهند. امروز در جامعه برخی سوالات مطرح می‌شود که این همه انتخابات شرکت کردیم، چه شد؟ حالا این انتخابات را شرکت کنیم چه اثری خواهد داشت؟ البته به نظر من این سوالات انحرافی است. معتقدم شرکت در انتخابات یک تکلیف و یک حق است، چون اکثر کشور دست‌خود ماست، خب حالا اگر مردم نخواهند مشارکت کنند، معنی‌اش چه خواهد بود؟ یعنی کشور را باید دست‌رقبا و دشمنان خودمان بسپاریم؟ بنابراین سوالات یاد‌شده را انحرافی می‌دانم. انتخابات مجلس در شهرهای بزرگ مثل تهران فهرستی است که معتقدم شاید این شکل و قالب خیلی مردم را به مشارکت ترغیب نکند.

۴ مجری: جمع این شرایط به شما چه تصویری ارائه می‌دهد؟

میرسلیم: به‌نظر می‌رسد با وجود همه مسائل که وجود دارد، ۵۰ درصد مشارکت در انتخابات مجلس خواهیم داشت؛ اگر چنین نتیجه‌ای حاصل شود، نتیجه خوبی برای جمهوری اسلامی خواهد بود.

۴ مجری: جبهه اصلاحات اعلام کرده در تهران نمی‌تواند لیست ارائه دهد، در سایر حوزه‌های انتخابیه نیز هر کدام جداگانه تصمیم‌گیری خواهد شد. آقای عطریانفر شما فضای انتخابات را چگونه می‌بینید؟

عطریانفر: در جریان اصلاحات ما بر این باور هستیم که متأسفانه فرصت کافی برای رقابت به دالیلی از اصلاح‌طلبان دریغ شده است، بنابراین اصلاح‌طلبان دست‌کوتاهی برای رقابت دارند و کمتر می‌توانند نقش تاریخی خودشان را ایفا کنند. ما نسبت به سرنوشت ملی خودمان و پاسخ به مطالبات رهبری به‌شدت علاقه‌مندیم این نقیصه را به شکلی مرتفع کنیم. دوستان ما در جبهه اصلاحات دست‌شان خیلی خالی است چون در سراسر کشور کمتر از ۵۰

نفر نامزد اصلاح‌طلب داریم. هر چند

با ۵۰ نفر از میان ۱۲ هزار نفر نامزد تأیید‌صلاحیت شده خیلی سخت است که بجوایم انتظار شگرفی در نتیجه‌گیری داشته باشیم اما همه

تلاش‌مان این است در

حوزه‌های انتخابیه‌ای

که امکان رقابت

معنادار باشد، رونق

انتخاباتی برقرار

شود. البته معتقد

در تهران و شهرهای

بزرگ نیز باید همچنان

برای ایجاد شور و شوق

انتخابی تلاش کنیم.

۴ مجری: آقای

عطریانفر می‌فرمایند:

«دست‌جبهه اصلاحات

در رقابت کوتاه است» و

یکی از دلایل کاهش

مشارکت از قِز همین

مسأله می‌دانند، آیا شما

نیز فضا را همین‌طوری

می‌بینید؟

میرسلیم: به این نباید

بسنده کنیم. سابقه فعالیت

سیاسی اصلاح‌طلبان برای

یکی دو سال اخیر نیست. با

آمدن آقای روحانی فعالیت

گسترده سیاسی صورت‌گرفت

و آثار و نتایجی هم در پی

داشت. این مسأله از حافظه



عطریانفر: امر مشارکت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی تابع منظمه همبسته‌ای است که همه ارکان و مؤلفه‌ها باید در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر باشند تا بتوانند یک حقیقت انتخابات را محقق کنند



دست اصلاح طلبان برای رقابت کوتاه تر است

۴ مجری: یک تحلیلی وجود دارد که اصلاح‌طلبان همواره در انتخابات مجلس اعلام می‌کنند امکان ارائه فهرست ندارند اما در نهایت فهرستی را معرفی می‌کنند. حالا یک زمان مثل انتخابات مجلس دهم با اقبال مواجه می‌شوند، یک زمان هم مثل انتخابات مجلس یازدهم اقبالی به سمت آنها شکل نمی‌گیرد. با توجه به شناختی که از جریانات سیاسی دارید، به نظر شما اصلاح‌طلبان نه‌انیا فهرستی در تهران معرفی می‌کنند یا خیر؟

سیاسی مردم خارج نشده‌است. اصلاح‌طلبان با کارهایی باید دوباره نزد مردم کسب حیثیت و آبرو کنند تا بتوانند انگیزه آنها را به سمت خودشان تقویت کنند. در کشور ما انتخابات حزبی نیست. شاید برخی افراد جریان اصولگرایی باشند اما نخواهند تحت عنوان اصولگرایی خودشان را معرفی کنند، همین ویژگی در جریان اصلاحات نیز وجود دارد. تعداد نامزدهای شاخص پایین‌به به میانی اصلاح‌طلبی شاید همین ۵۰ نفری باشند که آقای عطریانفر اشاره کردند اما هستند نامزدهایی که در جریان اصولگرایی قرار نمی‌گیرند و مستقل می‌آیند.

۴ مجری: آقای عطریانفر می‌گویند: «چهره‌ای که به عنوان اصلاح‌طلب شناخته نشده باشد شور انتخاباتی ایجاد نمی‌کند».

میرسلیم: در انتخابات فقط بحث چهره بودن مطرح نیست؛ تبلیغات نیز اهمیت دارد. البته شاید در شهر ۵ میلیون نفری تهران با تبلیغات نشود یک نامزد را به مردم معرفی کرد و شناساند اما در شهرهای کوچک این امکان وجود دارد. در شهرهای بزرگ معمولاً چند فهرست انتخاباتی درست می‌شود، در صدر این فهرست‌ها شخصیت‌های شناخته‌شده قرار می‌گیرند و مردم به اعتبار همین نامزدهای شناخته‌شده به بقیه نامزدها نیز رأی می‌دهند.

۴ مجری: آقای عطریانفر می‌گویند: «اصلاح‌طلبان در تهران نمی‌توانند لیست دهند، چون چهره‌های شاخصی نداریم که در صدر فهرست قرار دهیم».

میرسلیم: این تصمیم را خود اصلاح‌طلبان باید اتخاذ کنند. به نظر من این امکان برای‌شان بود اما این دوره کمی خجالتی وارد صحنه انتخابات شدند.

۴ مجری: مثلاً چه کسی را سرلیست قرار دهند.

میرسلیم: آقای نوبخت که به رشت رفت اما کسی بود که در تهران نیز پایگاه رأی داشت و می‌توانست به عنوان سر فهرست مطرح شود اما تصمیم‌شان این بود که در تهران خط‌بازی نکنند، چون کار سخت است؛ بنابراین بهتر است به رشت بروند که سابقه رأی‌آوری از آنجا را در نیز در کارنامه دارند و می‌توانند قوی‌تر از آنجا در انتخابات شرکت کنند.

۴ مجری: آقای عطریانفر آیا اصلاح‌طلبان هنوز می‌توانند در تهران لیست دهند؟

عطریانفر: همه هنر فعالان سیاسی آن است که در بزرگ‌ها و نقاط ناممکن، یک امر ممکن را تعقیب کنند اما تلاش‌ها نیز باید معطوف به یک نتیجه‌ای بشود. فعلاً دو جریان سیاسی معتقدند بالا ۹۹ درصد ملت ایران هیچ جسندگی به هیچ خط‌سیاسی ندارند. تمام ظرفیت رفتاری و کنش سیاسی گروه‌ها اعم از اصلاح‌طلب و اصولگر در سیدی حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر در سراسر کشور رقم می‌خورد اما همین تعداد حکم‌موتور شتاب‌دهنده و برانگیزنده را در نسبت با ۹۹ درصد ایفا می‌کنند.

پس مهم آن است که این دو گروه استراتژی را شتابگر گفتمان‌شان آنچنان زیبا و شایسته باشد که دآوری ملی ۹۹ درصدی به یک سمت متمایل شوند و یک گروهی را سرازیر بیاورند. متأسفانه یک ادبیاتی رایج شده که اصولگرایان شکست خوردند و اصلاح‌طلبان رأی ندارند پس «نه اصلاح‌طلب نه اصولگر» دیگر تداوم شد اما چرا؟ اما این

رایک ادبیات تحمیلی می‌دانم و قبول ندارم. ما زمانی می‌توانیم موتور شتاب‌دهنده را در مدار بیاوریم که نیرویی در موتور موجود باشد. صحبت‌های آقای میرسلیم را می‌فهمم که می‌شود کاری کرد اما قانع کردن یک جماعتی که در این قضیه وارد شوند خیلی کار می‌برد. دوستان ما در جبهه اصلاحات خیلی زحمت کشیدند تا به این جمع‌بندی رسیدند در حوزه‌های انتخابیه‌ای که نامزد داریم، حمایت‌کننده یا فعال به صحنه بیایند. اگر می‌توانستیم در یک گفت‌وگوی سازنده با شورای نگهبان و نهاد‌های نظارتی و اجرایی این ظرفیت را خلق کنیم که بتوانیم در ۵۰ تا ۶۰ درصد کل حوزه‌های انتخابیه نامزد داشته باشیم، طبعاً می‌توانستیم تمام آن توان و ظرفیت ملی را در قامت لیست در همه حوزه‌های انتخابیه به رقابت بگذاریم و انبوهی بالاتر از مشارکت «در صد رقم برزیم، معتقدم این انتخابات خیلی مهم نیست اما هر خطایی می‌تواند مبنایی برای اصلاح در آینده قرار بگیرد.

۴ مجری: یک تحلیلی وجود دارد که اصلاح‌طلبان همواره در انتخابات مجلس اعلام می‌کنند امکان ارائه فهرست ندارند اما در نهایت فهرستی را معرفی می‌کنند. حالا یک زمان مثل انتخابات مجلس دهم با اقبال مواجه می‌شوند، یک زمان هم مثل انتخابات مجلس یازدهم اقبالی به سمت آنها شکل نمی‌گیرد. با توجه به شناختی که از جریانات سیاسی دارید، به نظر شما اصلاح‌طلبان نه‌انیا فهرستی در تهران معرفی می‌کنند یا خیر؟

میرسلیم: هنوز فرصت است که تدبیر مناسبی وفق شرایط تهران و مراکز استان اندیشیده شود. مردم گرفتار کار و زندگی خودشان هستند؛ اغلب حضور فعال سیاسی روزمره ندارند اما در زمان انتخابات می‌توانند یک جهت‌گیری سیاسی را از خودشان ابراز کنند. احزاب و ائتلاف‌ها به عنوان سخنگو و بیان‌کننده مطالبات مردم وارد صحنه می‌شوند و موضوعاتی را بیان می‌کنند که به دل مردم می‌نشیند و بر همین مبنای گرایش‌ها شکل می‌گیرد. اگر مجموعه‌های سیاسی بتوانند در بیان دیدگاه‌ها و مطالبات جامعه خوب عمل کنند حتی فقدان سرفهرست شاخص هم دیگر مهم نیست؛ همان شعار و گفتمان انتخاباتی می‌تواند در جذب اقبال مردم موثر واقع شود چون مردم از نمایندگان خود قانون‌گذاری مناسب و نظارت بر اجرای قوانین می‌خواهند.

محمد عطریانفر: تحریم در دستور کار اصلاحات نیست

۴ مجری: شما در طول دوره نمایندگی خودتان در مجلس این دو انتظار جامعه را جامعه عمل پوشاندید؟

میرسلیم: من به عنوان نماینده یک وظایفی داشتم و به عنوان عضو یک فرآکسیون نیز وظایفی داشتم.

۴ مجری: در ماه‌های پایانی دوره مجلس یازدهم قرار داریم؛ نقدهایی به مواضع شما مثلاً درباره وجود دو رأی در مجموع توانستید به وظیفه قانونگذاری و نظارتی خودتان در چهار سال دوره نمایندگی عمل کنید؟

میرسلیم: هر نماینده تمام فعالیت‌هایش را برای تحقق آنچه زمان انتخابات برایش تبلیغ کرده خودش را بر اساس آن موضوعات شناسانده اقدام می‌کند اما خواست یک نماینده اثرگذار بر کل مجلس نیست. به عبارت دیگر تصمیم مجلس، تصمیم یک نماینده و حتی رئیس مجلس نیست چون رئیس مجلس نیز در واقع سخنگوی مجلس است.

باید دید چه نظریه‌ای در مجلس شکل می‌گیرد. به عنوان یک نماینده اگر دیدگاهی داشتم یا آن ایستاد و سعی کردم از آن دفاع کنم تا حدودی هم از این مسأله راضی و هم نارضی هستیم به دلیل شرایط خاصی که پیرامون من وجود داشته‌است. معتقدم نمی‌شود روی فعالیت‌های یک نماینده تصمیم‌گیری کرد، مگر جایی که یک حوزه انتخابیه تک نماینده است و آن نماینده براساس مناسبات خویش با قوه مجریه توانسته شرایطی را فراهم کند که مشکلاتی در آن حوزه انتخابیه برطرف شود و از این طریق شهرت خوبی در آن منطقه برایش رقم خورده باشد.

۴ مجری: آقای عطریانفر موضوع اصلاح‌طلبان غیر رادیکال را مطرح کردید و عقلانیت سیاسی را در مواضع شما می‌توان دید. با توجه به شناختی که از جریانات سیاسی دارید به نظر شما اصلاح‌طلبان نه‌انیا فهرستی در تهران معرفی می‌کنند یا خیر؟ توصیه شما به اصلاح‌طلبان چیست؟

عطریانفر: چنان محبوسیتی نداریم که شکوای دلی را باز کنیم و بگوییم چرا این طوری شد یا نشد. هنر ما، هنر انسان مدیری است که قبل از وقوع حادثه تمشیت امر را به‌گونه‌ای پیش برد که دچار حادثه نشود. شما درباره عملکرد آقای میرسلیم سؤال کردید و در مقام دفاع از ایشان می‌گویم «مخاطب شما در مجلس آقای میرسلیم نیست که از او پاسخ بخواهید چون مجلس، نهاد کار جمعی است».

۴ مجری: بالاخره افراد مجلس را تشکیل می‌دهند. عطریانفر: افراد به صفت فردی یا سخنگوی عملکرد مجلس نیستند.

۴ مجری: به سهم خودشان.

عطریانفر: به سهم خودشان در یک قالب رقابت تنگاتنگ اکثریتی را رقم می‌زنند آن اکثریت موضوعی را تصویب می‌کند که آن مصوبه ملاک قرار می‌گیرد. بر این باورم که بعد از ۴۰ سال مردم توقع کارآمدی دارند و اصلاً چشم‌شان به پارلمان نیست بلکه به این است که آیا مجلس توانسته به کسانی برای قرار گرفتن در مسئولیت اجرایی رأی اعتماد دهد و بر کار آنها نظارت کند تا بتوانند شکم جامعه را سیر کنند، امنیت جامعه را تأمین.

آینده نسل‌های جوان را روشن کنند و روابط با سایر کشورها را تنظیم کنند یا عزت ملی را افزایش دهند یا خیر؟ وقتی در چنین وضعیتی قرار می‌گیریم، می‌بینیم ساختار ما معیوب است. پارلمان یکسری زیرحلقه به نام حزب دارد. ما باید انتخابات مجلس را از روش‌های فردی به جمعی منتقل کنیم، یعنی حزب نیروهایش را زمان انتخابات عرضه کند. امروز وضعیت ما این است که عدم احراز صلاحیت‌ها را در یک زمان نامزدهای تأیید صلاحیت‌شده چهارنفر به درد می‌خورند. چنین روش معرفی نامزد به جامعه، نتیجه ضمانت داری را برای ما فراهم نمی‌کند. مصادیق بسیاری داریم که نامزدهایی در فهرست‌های انتخاباتی قرار گرفتند و به مجلس راه یافتند اما بعد رفتند حاجی حاجی مکه و هیچ‌گاه پاسخگو نبودند. وقتی حزب رقابت کند، پاسخگو هم خواهد بود. در چنین وضعیتی کاری که شورای نگهبان امروز به غلط در موضوع احراز صلاحیت انجام می‌دهد و عدم احراز صلاحیت‌ها را در یک زمان، این کار وظیفه حزب می‌شود. حزب است که صلاحیت‌ها را بررسی می‌کند و افراد دارای صلاحیت بیشتر را در فهرست قرار می‌دهد؛ وقتی هم که نامزدهای مورد حمایتش رأی آوردند آن موقع حزب در جایگاه پاسخگویی قرار می‌گیرد اما امروز احزاب هیچ نسبتی با انتخابات ندارند. در مورد سؤالی که مطرح کردید، هیچ دوره‌ای نبوده که این بهتان را بی‌بیزیرم اصلاح‌طلبان بازی درمی‌آورند و می‌گویند «ما نامزد برای بستن لیست نداریم» اما سر بزرگ‌ها که می‌شود لیست معرفی کنند و بعد یک «تکرار می‌کنم» هم پشت آن قرار گیرد که براساس آن جماعتی بیایند و کل آن لیست رأی بیاورد.

هر چند این اتفاق برای ما خوشایند است اما روش درستی نیست. اصلاً چرا ما باید تسلیم حوادث غیرمترقبه شویم و قدرت پیش‌بینی نداشته باشیم. مصیبت ما این‌هاست. ما می‌توانیم پیش‌بینی کنیم، چون پیش‌بینی‌هایست که کشور را پایدار نگه می‌دارد.

۴ مجری: این پیش‌بینی هیچ وقت تا آنجا که من می‌دانم، نبوده‌است. من با آقای ابیطی صحبت می‌کردم، می‌گفت: «ما شب قبلش با آقای خاتمی داشتیم صحبت می‌کردیم، اصلاً خودمان قبول نداشتیم که رأی می‌آوریم. بعد با هم رفتیم یک مدرسه دخترانه حوالی سیدخندان، خودمان هم رأی دادیم و تازه دیدیم مردم دارند رأی می‌دهند.» جلوتر همین اتفاق در مورد آقای روحانی می‌افتد، یعنی مثلاً ۱۲-۱۳ خرداد بعد از سخنرانی حضرت آقا در حرم امام‌ره، نظرسنجی‌ها را که می‌دیدیم، هم رأی آقای روحانی و هم رأی آقای عارف بسیار پایین بود. بعد یک‌هفته همه اصلاح‌طلبان پشت آقای روحانی رفتند و رأی آورد. در مورد لیست امید هم دوباره همین اتفاق افتاد. درباره دور دوم آقای روحانی نیز همین اتفاق افتاد. مثلاً آقای جهانگیری چرا ثبت‌نام نکرد؟ مثلاً مجمع روحانیون ۱۰ نفر را می‌فرستاد، کارگزاران تعدادی را می‌فرستاد با جاهای دیگری نیز چند نفر از نیروهایشان را برای ثبت‌نام در انتخابات

انتخابات، سنگ محک جریان‌های سیاسی

مصطفی میر سلیم: اصلاح‌طلبان، خجالت زده وارد انتخابات شده اند

یک داستانی شد و یک دلیل قبلی هم داشت. ولی من وظیفه‌ام بود که بیایم، ۱۰ بار دیگر هم اگر وقت داشتم، باز هم نامزد می‌شدم که بیایم، چون وظیفه من در عرصه سیاست است؛ من باید نماینده آن بدنه اجتماعی باشم». بنابراین مردم حتماً می‌توانند سؤال کنند و بگویند «چرا نمایندگان که به آنها گرایش دارند، در عرصه سیاست نامزد نشدند. نکته دیگر این‌که شما می‌گویید «سارقان سیاست آمدند جای امثال‌ها سیاست را گرفتند» یا می‌فرمایید «فلانی پابرنده آمد در عرصه سیاست، جایی که اندازه‌اش نبود»، این چه موقع حادث و حاصل می‌شود؟ وقتی که غیبت باشد، وقتی که نماینده من در عرصه سیاسی حضور نداشته باشد. اگر چهره‌های اصلاح‌طلب می‌آمدند، مثلاً آقای ظریف می‌آمد، آقای جهانگیری یا هر اسم دیگری که می‌شد در فهرست قرار بگیرد، حتماً شور دیگری بر می‌شد. این نامزدان به فرض این‌که شورای نگهبان ما را رد می‌کند یا هر فرض دیگری، آیا به همین جا نمی‌رسد؟ امروز برخی اصلاح‌طلبان می‌گویند «چون ثبت‌نام نکرده‌ایم، ولی اگر الان بود، می‌آمدیم». این را قبول دارید یا نه؟

عطریانفر: بله؛ من هم منتقد به رفتاری که بنی اسرائیل در حق موسی (ع) کردند. خداوند به موسی (ع) فرمود این قوم خودت را بردار و برو، وارد این قریحه بشو، ان شاء... غالب می‌شوی، بقیه دشمن را هم می‌گیرید. اینها شروع کردند به بهانه‌آوردن. ما قارلمان بر این نیست که حس کنیم مثلاً حالا میدانی نداریم. ردصلاحیت می‌شویم، بنشینیم و تماشا کنیم، نه، واقعیتش این نیست. من با شما دیگر بحث را ادامه ندادم در فرمایش اول‌تان؛ واقعیتش در هیچ انتخاباتی اصلاح‌طلبان رفتارشان، رفتار انفعال نبوده، فعال بودند. بله، تنها فقط دور گذشته بود که چون نتوانستیم به جمع‌بندی برسیم، باز دسآورد داشتیم. حول محور جناب آقای خاتمی این جمع‌بندی شد که این اختیار به احزاب واگذار شود و هر حزبی به تشخیص خودش عمل کند. کما این‌که ما عمل کردیم؛ ما در انتخابات لیست دادیم و دیگران ندادند، یعنی سرشوت‌هایی که از هم جدا شد.

این را از باب همراهی با شما عرض می‌کنم، اما واقعیتش این است که اولاً آن شهروند مجازی که در ذهن‌تان نقش بسته که از ما سؤال می‌کند، من نگرانم که عکس آن را نیز سؤال کند؛ اصلاً بگوید «چرا فعال هستیم، چرا؟ چون یک حس بدی دارد. نمی‌خواهم ورود کنم در این بخش، چون اساساً ما در شرایطی هستیم که هیچ سخن مایوس‌کننده نباید بزنیم، ولی شما فرمایید از گفت جامعه و از همین تحریریه روزنامه جام جم، حش‌شان را نسبت به حاکمیت، نسبت به وضعیت زندگی‌شان، نسبت به آرمان‌های‌شان، نسبت به آینده‌شان، نسبت به آینده فرزندان‌شان بگیرید؛ واقعاً غم‌انگیز است. من چگونه می‌توانم تشخیص دهم که این کدام است. دو، ما که در این قضیه کاملاً واقع‌بینانه حرکت کردیم. کجا؟ آنجا که می‌گویم «این فردا ما به عنوان یک نامزد منتصب به خودمان به رسمیت می‌شناسیم»، حتی به این جمع‌بندی رسیدیم که یک پله هم عقب‌تر برویم، اول کسی را حس کنیم که در این ساختار می‌تواند حرکت کند، او را هم مورد حمایت قرار دهیم.

بنابراین فعال هم خواهیم بود. این بخش‌اش تأمین است، یعنی حاصل است. اما می‌رسیم به یک جایی که شما واقعاً کسی را نداری. نمی‌آیی تصمیم می‌گیری، من به رسمیت هرچه تمام‌تر اعلام می‌کنم مقوله‌ای بدنام تحریم در دستور کار اصلاحات

به هیچ عنوان نیست، حداقل دو تا شاخص به شما می‌دهم، یکی بیابیه سه هفته پیش اصلاحات صراحت‌گفت. این را داشته‌باشید و حالا سومی هم این‌که در تدارک برای بیابیه مفصل‌تر هستیم؛ اگر به جمع‌بندی برسیم ولی غم این‌که در حوزه‌های مافوق ظرفیت‌های نیروی انسانی هستیم، چگونه می‌توانیم بر این داستان مشارکت دامن بزنیم؟ شما ببینید روی این افراد کلیک کردید. شما مطمئن باشید برای کار جمعی ابتدا باید فکر جمعی باشد.

مجلس می‌فرستادند. بعضی‌ها می‌گویند «اصلاح‌طلبان پیش‌بینی کردند که اگر بیایند، ردصلاحیت می‌شوند و به همین دلیل نیامدند».

عطریانفر: من می‌خواهم شما را برهیز دهم از رفتاری که برادر عزیزمان آقای حسین شریعتمداری در کیهان در حق اصلاح‌طلبان اعمال می‌کند.

متلا فرض کنید جناب آقای محمد خاتمی می‌خواهد هستی و دلبستگی خود را به نظام سیاسی ایران اعلام کند، بعد یک برادری از بنگاه سخن‌پراکنی به نام کیهان شنشته و می‌گوید «آقای سیدمحمد خاتمی توانی‌ید این کار را بکنی که وابستگی خودت را نشان دهی». او هم می‌گوید «چه کسی هستی که برای من تعیین تکلیف می‌کنی؟ اولاً تو در مقامی نیستی که این کار را بکنی، ثانیاً من خودم تشخیص می‌دهم که چگونه نسبت دلبستگی و تعلق خاطر من با نظام سیاسی خودم اعلام کنم؛ به تو ارتباطی ندارد». چه کسی می‌تواند بگوید «روحانیون مبارز، شما آدم‌هایان را معرفی می‌کردید تا بعد ببینیم چطور می‌شود؟» آنها نمی‌پسندند. وقتی ما رقابت‌های مان از رفتارهای حزبی خارج می‌شود، جبهه‌ای می‌شود.

۴ مجری: عرض کردیم ردصلاحیت می‌شوند.

عطریانفر: در طول تاریخ ۳۲ ساله امروز همواره همین بازارگرایی و بازار مکاره‌ای بوده که اصلاح‌طلبان همیشه دلاخور بودند، همیشه می‌گفتند آدم‌های ما را رد صلاحیت کردند، ما آدم نداریم». بعد هم می‌نشنند دور هم، یک جمع‌بندی می‌کردند،

به صحنه می‌آمدند یا پیروزی می‌شدند یا شکست می‌خوردند. پیروزی و شکست اصلاح‌طلبان، دلالت بر اقبال و ادبار ملت به آنها ندارد. کما این‌که عکسش هم صدق نمی‌کند. ما داریم یک باری را در عرصه انتخابات رقم می‌زنیم که شد، شد؛ نشد، نشد. با آنرویی که نمی‌توانیم کشور را اداره کنیم، باید قدرت برنامه‌ریزی داشته باشیم. بله، من هم می‌فهمم. شما می‌گویید «چرا آقای جهانگیری نیامد؟» چرا راه دور برویم؟ آقای مهندس میرسلیم در انتخابات ۱۳۹۶ یک جماعتی از دوستان‌شان نشسته‌اند و همفکری کردند که شخصیتی مثل آقای مهندس میرسلیم در قامت ریاست‌جمهوری در این کشور می‌تواند این مدیریت را عهده‌دار شود و آمد. تصمیم فردی ایشان بود؟ خبر، یک جمعی نشنستند. خود ایشان در تصمیم‌گیری رکن است اما یک جماعتی می‌آیند و این را مدیریت می‌کنند.

یک شخصیت مثل آقای اسحاق جهانگیری، رفیق صمیمی ماست که خودش در تراز ریاست‌جمهوری می‌خواسته پدرخشد؛ شما برایش تعیین تکلیف می‌کنید و می‌گویید «چرا نکرد؟» می‌گوید «نمی‌خواستم بکنم». اما اگر میدانی رافراهم می‌کردید که ایشان به عنوان یک رکن از یک مجموعه می‌نشست و دیالوگی برقرار می‌شد، می‌گفتند «تورا به عنوان سرلیست داریم مدیریت می‌کنیم که بروی رئیس مجلس شوی».

قرار نیست افراد را ما در صحنه سیاست دستمالی کنیم، به‌خصوص چهره‌های خودمان را. شما تصور کنید، آقای احمدی نژاد پابرنده وسط انتخابات ۱۳۸۴ آمد، نهاد

اصولگرایی در این کشور طرحی داشت، برنامه‌ریزی داشت، سروسامان داشت. آن حفظ‌کنند آقای ناطق عزیز را می‌گفت از نزدیاب ما رفت بالا و نزدیاب را نداخت. یک‌دفعه آمدی وسط ما چاره‌و هم زد. چه کسی خیرش را برد؟ آقای احمدی نژاد انسان بسیار باهوشی است ولی آقای برادر عزیز در این تراز که می‌آیی، معادلات ملی را بر هم می‌زنی؛ اصلاً چپ و راست نداریم. هنر ما باید این باشد که این لوکوموتور را از داخل بیابان و سنگلاخ‌های بیابان‌روزی ریل‌وروی این ریل جایه‌جاشویم. از این حیث بنده عرض این است که ما دو تا سبب بزرگ داریم که ان‌شاء... برای آینده کشور در شرف رفع است. یک، مقوله صلاحیت را باید تعیین تکلیف کنیم، یعنی این ادبیات که هیچ‌احدی از ملت ایران صلاحیت ندارد، مگر این‌که من شورای نگهبان بگویم. این محل خدشه‌است. ادبیات رهبری هم پذیرفته‌شده نیست. این باید حل شود. دو؛ این قاعده که مجلس گذشته باید پاسخگو باشد.

۴ مجری: آقای عطریانفر شما می‌گویید «کسی نمی‌تواند به یک شخصیت سیاسی بگوید بیاید یا نیاید چون به او ربطی ندارد»، اما واقعیت آن است که ربط دارد. چند ماه قبل از فوت مرحوم هاشمی، خدمت‌ایشان رسیدم و مصاحبه کردم، به آقای هاشمی گفتم «شما می‌دانستید که رد صلاحیت می‌شوی یا

نمی‌دانستید؟» گفت:

«بلیه، و من تا دو تا شاخص به حدس می‌زدم که من رارد صلاحیت‌کنند»،

به ایشان گفتم «چرا نامزد شدید؟»

ایشان گفت «من کار خودم را نکردم؛ از من زمین می‌خواست که بیایم، این‌که نگذاشتند من بیایم، یک حوادث بعدی داشت که منجر به

۴ مجری: آقای عطریانفر می‌گویند «اصلاح‌طلبان پیش‌بینی کردند که اگر بیایند، ردصلاحیت می‌شوند و به همین دلیل نیامدند».

عطریانفر: من می‌خواهم شما را برهیز دهم از رفتاری که برادر عزیزمان آقای حسین شریعتمداری در کیهان در حق اصلاح‌طلبان اعمال می‌کند.

متلا فرض کنید جناب آقای محمد خاتمی می‌خواهد هستی و دلبستگی خود را به نظام سیاسی ایران اعلام کند، بعد یک برادری از بنگاه سخن‌پراکنی به نام کیهان شنشته و می‌گوید «آقای سیدمحمد خاتمی توانی‌ید این کار را بکنی که وابستگی خودت را نشان دهی». او هم می‌گوید «چه کسی هستی که برای من تعیین تکلیف می‌کنی؟ اولاً تو در مقامی نیستی که این کار را بکنی، ثانیاً من خودم تشخیص می‌دهم که چگونه نسبت دلبستگی و تعلق خاطر من با نظام سیاسی خودم اعلام کنم؛ به تو ارتباطی ندارد». چه کسی می‌تواند بگوید «روحانیون مبارز، شما آدم‌هایان را معرفی می‌کردید تا بعد ببینیم چطور می‌شود؟» آنها نمی‌پسندند. وقتی ما رقابت‌های مان از رفتارهای حزبی خارج می‌شود، جبهه‌ای می‌شود.

۴ مجری: عرض کردیم ردصلاحیت می‌شوند.

عطریانفر: در طول تاریخ ۳۲ ساله امروز همواره همین بازارگرایی و بازار مکاره‌ای بوده که اصلاح‌طلبان همیشه دلاخور بودند، همیشه می‌گفتند آدم‌های ما را رد صلاحیت کردند، ما آدم نداریم». بعد هم می‌نشنند دور هم، یک جمع‌بندی می‌کردند،

به صحنه می‌آمدند یا پیروزی می‌شدند یا شکست می‌خوردند. پیروزی و شکست اصلاح‌طلبان، دلالت بر اقبال و ادبار ملت به آنها ندارد. کما این‌که عکسش هم صدق نمی‌کند. ما داریم یک باری را در عرصه انتخابات رقم می‌زنیم که شد، شد؛ نشد، نشد. با آنرویی که نمی‌توانیم کشور را اداره کنیم، باید قدرت برنامه‌ریزی داشته باشیم. بله، من هم می‌فهمم. شما می‌گویید «چرا آقای جهانگیری نیامد؟» چرا راه دور برویم؟ آقای مهندس میرسلیم در انتخابات ۱۳۹۶ یک جماعتی از دوستان‌شان نشسته‌اند و همفکری کردند که شخصیتی مثل آقای مهندس میرسلیم در قامت ریاست‌جمهوری در این کشور می‌تواند این مدیریت را عهده‌دار شود و آمد. تصمیم فردی ایشان بود؟ خبر، یک جمعی نشنستند. خود ایشان در تصمیم‌گیری رکن است اما یک جماعتی می‌آیند و این را مدیریت می‌کنند.

یک شخصیت مثل آقای اسحاق جهانگیری، رفیق صمیمی ماست که خودش در تراز ریاست‌جمهوری می‌خواسته پدرخشد؛ شما برایش تعیین تکلیف می‌کنید و می‌گویید «چرا نکرد؟» می‌گوید «نمی‌خواستم بکنم». اما اگر میدانی رافراهم می‌کردید که ایشان به عنوان یک رکن از یک مجموعه می‌نشست و دیالوگی برقرار می‌شد، می‌گفتند «تورا به عنوان سرلیست داریم مدیریت می‌کنیم که بروی رئیس مجلس شوی».

قرار نیست افراد را ما در صحنه سیاست دستمالی کنیم، به‌خصوص چهره‌های خودمان را. شما تصور کنید، آقای احمدی نژاد پابرنده وسط انتخابات ۱۳۸۴ آمد، نهاد

اصولگرایی در این کشور طرحی داشت، برنامه‌ریزی داشت، سروسامان داشت. آن حفظ‌کنند آقای ناطق عزیز را می‌گفت از نزدیاب ما رفت بالا و نزدیاب را نداخت. یک‌دفعه آمدی وسط ما چاره‌و هم زد. چه کسی خیرش را برد؟ آقای احمدی نژاد انسان بسیار باهوشی است ولی آقای برادر عزیز در این تراز که می‌آیی، معادلات ملی را بر هم می‌زنی؛ اصلاً چپ و راست نداریم. هنر ما باید این باشد که این لوکوموتور را از داخل بیابان و سنگلاخ‌های بیابان‌روزی ریل‌وروی این ریل جایه‌جاشویم. از این حیث بنده عرض این است که ما دو تا سبب بزرگ داریم که ان‌شاء... برای آینده کشور در شرف رفع است. یک، مقوله صلاحیت را باید تعیین تکلیف کنیم، یعنی این ادبیات که هیچ‌احدی از ملت ایران صلاحیت ندارد، مگر این‌که من شورای نگهبان بگویم. این محل خدشه‌است. ادبیات رهبری هم پذیرفته‌شده نیست. این باید حل شود. دو؛ این قاعده که مجلس گذشته باید پاسخگو باشد.

۴ مجری: آقای عطریانفر شما می‌گویید «کسی نمی‌تواند به یک شخصیت سیاسی بگوید بیاید یا نیاید چون به او ربطی ندارد»، اما واقعیت آن است که ربط دارد. چند ماه قبل از فوت مرحوم هاشمی، خدمت‌ایشان رسیدم و مصاحبه کردم، به آقای هاشمی گفتم «شما می‌دانستید که رد صلاحیت می‌شوی یا

نمی‌دانستید؟» گفت:

«بلیه، و من تا دو تا شاخص به حدس می‌زدم که من رارد صلاحیت‌کنند»،

به ایشان گفتم «چرا نامزد شدید؟»

ایشان گفت «من کار خودم را نکردم؛ از من زمین می‌خواست که بیایم، این‌که نگذاشتند من بیایم، یک حوادث بعدی داشت که منجر به

۴ مجری: آقای عطریانفر می‌گویند «اصلاح‌طلبان پیش‌بینی کردند که اگر بیایند، ردصلاحیت می‌شوند و به همین دلیل نیامدند».

عطریانفر: من می‌خواهم شما را برهیز دهم از رفتاری که برادر عزیزمان آقای حسین شریعتمداری در کیهان در حق اصلاح‌طلبان اعمال می‌کند.